

خبر

نامه وزیر خارجه طالبان به کنگره آمریکا

● مولوی امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، در نامه‌ای به اعضای کنگره آمریکا، بلوکه‌کردن «سُروت و پول افغانستان» را دور از منطق خوانده و گفته است که مسدودکردن پول‌های افغانستان نه مشکل را حل می‌کند و نه خواست مردم آمریکا است، او در این نامه همچنین به صدمین سال برقراری روابط میان کابل و واشگتن هم اشاره کرده است.

به گزارش ایسنا به نقل از افق‌نیوز، وزیر خارجه طالبان نوشته است که امسال صدمین سالگرد روابط آمریکا و افغانستان است و در این مدت روابط دو طرف، مانند هر کشور دیگر، با فرازونشیب‌هایی مواجه شده است.

متقی گفته است که جنگ ۲۰ساله‌ای که پس از هفتم اکتبر سال ۲۰۰۱ بر روابط دو کشور سایه افکنده بود، با توافق دوحه حل شد که به گفته او این توافق، روابط مثبت دو کشور را در آینده پیش‌بینی می‌کند. وزیر خارجه طالبان نوشته است: «ما معتقدیم که اجرای کامل و تعهد به توافق دوحه می‌تواند فصل جدیدی از روابط مثبت بین دو دولت و ملت را بکشاید که این امر به نفع هر دو کشور است.»

او در ادامه افزوده است که طالبان پس از فرار «عیرمستولانه» اشرف غنی به درخواست مردم به‌ویژه شهروندان کابل و برای جلوگیری از خلا قدرت و هرچ‌ومرح وارد پایتخت شدند و به‌عنوان یک دولت مستقل، امور افغانستان را در دست گرفتند.

سرپرست وزارت خارجه طالبان ادعا کرده که «امنیت سرتاسری در کشور تأمین شده است و درحال‌حاضر از خاک افغانستان هیچ‌گونه تهدیدی برای منطقه و جهان وجود ندارد و زمینه همکاری مثبت فراهم شده است». او نوشته است که اکنون همه فرصت‌ها برای بازسازی و توسعه افغانستان فراهم است و در آینده، ایالات متحده می‌تواند در صنعت، زراعت و معادن افغانستان نیز سرمایه‌گذاری کند». پس از روی‌کارآمدن طالبان، آمریکا حدود ۱۰ میلیارد دلار ذخایر بانک مرکزی افغانستان در خارج از کشور را بلوکه کرد که گفته می‌شود این امر بحران نقدینگی در کشور را در پی داشته و سبب تشدید فقر و خطر وقوع فاجعه انسانی در آینده نزدیک شده است. در همین حال فقر و بی‌کاری با شروع فصل سرما در حال گسترش است. نهادهای بین‌المللی هشدار می‌دهند که بحران انسانی در افغانستان منجر به بدترین فاجعه بشری خواهد شد.

درحالی‌که میهمانان هنوز روی صندلی‌هایشان ننشسته بودند ولادیسلاو سورکوف در نقش میزبانی با اعتمادبه‌نفس می‌گوید: «دو انتخاب پیش‌روی شما وجود دارد؛ آنکلساکسون یا روسی. منو را به شما خواهم داد تا انتخاب کنید، اما چاره‌ای غیر از انتخاب گزینه روسی ندارید. سرآشپز برای شما انتخاب می‌کند؛ زیرا او بهتر می‌داند شما چه می‌خواهید. خودم هم گزینه روسی را پیشنهاد کرده‌ام». به این ترتیب صرف یک غذا با چاشنی تمثیل و استعاره آغاز می‌شود؛ غذایی که مرئی آن را در برابر میهمانان قرار می‌دهد که به خفه‌کردن دموکراسی نوبای روسیه کمک کرده و با ابداع دموکراسی جعلی مدنظر خود، با وجود موج فرآینده نارضایتی سیاسی و اقتصادی و ناآرامی، ولادیمیر پوتین را به‌مدت ۲۱ سال در رأس قدرت نگه داشته است.

عروسک‌گردان و کاردینال خاکستری
ولادیسلاو سورکوف مردی مرموز، پیچیده

و جنجالی است که با القاب راسپوتین پوتین، کاردینال خاکستری کرملین و عروسک‌گردان شناخته می‌شود. او از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱ معاون اول رئیس‌جمهور روسیه بود و از دسامبر ۲۰۱۱ تا ماه می ۲۰۱۳، در سمت معاون نخست‌وزیر روسیه حضور داشت. سورکوف که اصالت چچنی دارد، پس از استعفا به دفتر اجرایی ریاست‌جمهوری بازگشت و مشاور شخصی ولادیمیر پوتین در روابط با آبخازیا، اوسستیا جنوبی و اوکراین شد. او در فوریه ۲۰۲۰ با دستور ولادیمیر پوتین از این سمت کنار گذاشته شد، اما با وجود نزدیک به دو سالی که از خروج ظاهری‌اش از قدرت در مسکو می‌گذرد، به عقیده بسیاری یک شخصیت توانمند با قدرت و نفوذ زیاد در دولت پوتین است. سورکوف بنیان‌گذار پوتینیسم و یکی از توانمندسازان اصلی این ایده است. او معمار آن چیزی است که «دموکراسی مستقل» روسیه نامیده می‌شود؛ یک سیستم ظاهرا باز اما کاملا بسته در روسیه؛ مانند کشورهای دموکرات، ظاهرا انتخابات برگزار می‌شود، کاندیداها به مبارزات انتخاباتی می‌پردازند، رأی‌گیری می‌شود، صندوق‌های رأی باز می‌شود و هر بار همان همیشگی پیروز می‌شود.

دموکراسی جعلی

ایده اصلی دموکراسی مستقل روسیه این است که ثبات دولت جایگزین آزادی افراد می‌شود و احزاب

«ولادیسلاو سورکوف» چگونه دموکراسی جعلی را در روسیه ابداع کرد

معمار پنهان پوتینیسم



اپوزیسیون نقشی نمایشی و جعلی بازی می‌کنند. کنترل سفت و سخت رسانه‌ها و ایجاد موانع غیرقابل‌عبور برای ورود چهره‌های سیاسی که مورد تأیید رژیم نیستند به ساختار قدرت، با توهم تله‌های سنتی یک دموکراسی واقعی جبران می‌شود. سال‌ها قبل از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، از اصطلاح «اخبار جعلی» به‌عنوان حربه مقابله با مخالفانش استفاده کند، سورکوف استفاده از این ابزار را در مسکو باب کرده بود. این تکنیک سورکوف برای ایجاد آشفتگی در دموکراسی‌های غربی استفاده می‌شود. یکی از همکاران سابق او می‌گوید: «تفسیرهای متفاوت و متناقض از دموکراسی را سورکوف ابداع کرده و به آن دامن زده است؛ هیچ چیزی درست نیست، هیچ حقیقت واحدی وجود ندارد و همیشه حقایق جایگزین وجود دارند». این روشی است که حکومت‌هایی مانند روسیه و چین که دشمنان غرب محسوب می‌شوند، با استفاده از آن، دروغ‌های خود را به جای حقیقت به افکار عمومی می‌فروشند.

سورکوف که هرگز در هیچ انتخاباتی شرکت

پس از مدتی در سال ۱۹۹۹ دستیار الکساندر ولوشین، رئیس دفتر یلتسین شد. هنگامی که پوتین در آغاز قرن ۲۱ کرملین را تسخیر کرد، سورکوف به‌عنوان معاون رئیس ستاد ریاست‌جمهوری منصوب شد. سورکوف آن روزها را این‌گونه به یاد می‌آورد: «وقتی این تغییر اتفاق افتاد، برای من کاملا واضح بود که شخصیت رهبر جدید، فرصتی را برای پیشرفت فراهم می‌کند. با حضور در کنار پوتین متوجه شدم هر کاری را که می‌خواستم، می‌توانم انجام دهم.»

سورکوف زمانی وارد کرملین شد که دموکراسی روسیه تنها هشت سال داشت. در این مدت کوتاه، یلتسین از یک کودتا جان سالم‌به در برده بود و تقریبا ریاست‌جمهوری را به یک کمونیست و عضو سابق کاکب، سرویس امنیتی روسیه، واگذار کرده بود. ورود سورکوف به قدرت درخور توجه است. او قبل از آنکه در دفتر یلتسین

مشغول به کار شود، مدتی با میخائیل خودوروفسکی که زمانی ثروتمندترین فرد روسیه به شمار می‌آمد، کار می‌کرد. او سورکوف را به‌عنوان عضوی از تیم امنیتی خود استخدام کرد. این سرمایه‌دار ثروتمند خیلی زود فهمید که هوش و ذکاوت سورکوف بسیار ارزشمندتر از آن است که بخواهد آن را در راه حفاظت فیزیکی تلف کند. او سورکوف را به‌عنوان مدیر روابطعمومی منصوب کرد و سورکوف نیز در این سمت، مهارت‌هایش را در فریبکاری و گمراه‌سازی رقیب پرورش داد. وقتی پوتین تشکیلات خودوروفسکی را از هم گسیخت و او را به زندان انداخت، سورکوف به ایجاد کمپینی علیه او کمک کرد. اسناد افشاشده از دفتر سورکوف در کرملین پس از اخراج او از قدرت نشان می‌دهد او شبکه‌ای از فعالان را در منطقه دونباس شرقی در شرق اوکراین کنترل می‌کند؛ جایی که شبه‌نظامیان جدایی‌طلب با حمایت مسکو علیه دولت اوکرایس می‌جنگند. یکی از رهبران سابق این شبه‌نظامیان مورد حمایت مسکو می‌گوید: «ما به‌صورت دوره‌ای با ولادیسلاو سورکوف دیدار می‌کردیم. او یکی از باهوش‌ترین آدم‌های است که در زندگی دیده‌ام. گاهی او را به‌عنوان بازیگری می‌بینم که تنها روی صحنه است. من نمایش او را تماشا می‌کنم و در همان حال از او یاد می‌گیرم؛ هنر سیاست.»

سورکوف سیاست و تئاتر را چندان متفاوت از هم نمی‌داند و می‌گوید: «در اتحاد جماهیر شوروی، همگنی و یکنواختی زیادی وجود داشت. این همگنی اتحاد جماهیر شوروی را ویران کرد؛ زیرا مردم به تنوع نیاز دارند. اما در دهه ۱۹۹۰ ما تنوع زیادی داشتیم و این تنوع روسیه را سریع‌تر دچار بحران می‌کرد. مردم باید خودشان را روی صحنه ببینند. یک کارگردان و یک طراح باید اختیار را در دست داشته باشد. ما باید به مردم تنوع می‌دادیم، اما این تنوع باید تحت کنترل باشد. آنگاه همه راضی خواهند بود و در عین حال وحدت جامعه نیز حفظ می‌شود. این مدل همیشه کارآمد است و سازش خوبی بین هرج‌ومرج و نظم برقرار می‌شود. تزریق بیش از حد آزادی به جامعه، برای یک دولت کشنده است. هر چیزی که نقش دارو را ایفا کند، می‌تواند مرگ‌بار باشد، مگر دُر محدود و مشخصی استفاده شود.»

مکرون با نخست‌وزیر ایتالیا پیمان می‌بندد

موازنه جدید قدرت در اروپا

تأیید کند. تنش‌ها بین رم و پاریس در اوایل سال ۲۰۱۹ زمانی که فرانسه برای مدت کوتاهی سفیر خود را به‌دلیل اختلاف بر سر مهاجرت فراخواند، به اوج خود رسید. آخرین دیدار میان دراگی و مکرون مربوط به چند روز پیش در پاریس است که بر انتقال قدرت سیاسی در لیبی، موضوعی که برای هر دو رهبر اهمیت استراتژیک دارد، تمرکز داشت.

شوگ نبود مرسکل مرتبط با مشکلات متعددی است که می‌تواند آینده آلمان و اتحادیه اروپا را در ابهام فرو ببرد. خطر از‌دست‌دادن مرکزیت سیاسی، ظهور نیروهای پوپولیستی، بازگشت بحران مهاجران و پناه‌جویان و مرکزگی دوباره سیاسی در اروپا که قبل‌ترها مربوط به چپ و راست بود و امروز به اختلاف میان لیبرال‌های طرفدار ارزش‌های اروپایی و ملی‌گراهای افراطی مخالف آنها تبدیل شده، ازجمله این مشکلات است. مرکل بازیکن برجسته اتحادیه اروپا و ناتو بوده و یکی از محافظان اصلی نظم مرسوم بین‌المللی به حساب می‌آید. تحت رهبری او بود که آلمان توانست در امنیت بین‌الملل نقشی قوی برای خودش تعریف کند. در آلمان تحت رهبری او فروش تسلیحات نظامی دو‌درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داد.

طبق نظرسنجی انجام‌شده بیش از ۵۰ درصد از شهروندان اروپایی به مرکل بیشتر از دیگر سران کشورهای همچون فرانسه، روسیه، چین و آمریکا اعتماد دارند. این کارنامه در زمینه سیاست خارجی کار را برای میراث‌داران مرکل دشوار می‌کند. آنها باید با چند مسئله روبه‌رو شوند؛ شکل‌دادن دوباره به اتحادیه اروپا پس از خروج بریتانیا، قوی‌کردن قوانینی که بر اتحادیه اروپا حاکم است، درگیری با رهبران راست‌گرا و پوپولیست‌های همسایه و کنارنامه با روسیه.

جهان

روزنه

جدال السیسی با شیخ الازهر برای اصلاح قانون

● اعضای پارلمان جدید مصر حرف و حدیث‌ها درباره اصلاحات قریب‌الوقوع در قانون اساسی این کشور را آغاز کرده‌اند؛ اصلاحاتی که امکان دارد تا حد تدوین قانون اساسی جدید و متناسب با آغاز «جمهوریت جدید» پیش رود؛ اصطلاحی که رسانه‌های طرفدار عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهوری مصر به‌تازگی با نزدیک شدن به زمان افتتاح پایتخت اداری و جدید مصر در قلب صحرا در ۴۵ کیلومتری شرق قاهره به راه انداخته‌اند.

منابع آگاه در پارلمان مصر به العربی الجدید گفتند: دایره حقوقی نزدیک به السیسی به رهبری محمد ابوشقه، عضو کمیسیون عالی اصلاحات قانون‌گذاری و فرزند بهال‌الدین ابوشقه، عضو شورای سناتورها، در حال بررسی واردکردن اصلاحات گسترده در ماده‌های قانون اساسی در مرحله آتی برای ارسال پیش‌نویس آن به وزارت دادگستری و امور پارلمانی دولت برای رایزنی است. این منابع پیش‌بینی کردند پارلمان در فصل جدید قانون‌گذاری خود پرونده اصلاح قانون اساسی را مورد بررسی قرار دهد که این تغییرات شامل بسیاری از ماده‌های قانون اساسی می‌شود که در همه‌پرسی سال ۲۰۱۹ میلادی تغییر یافته است. منابع مذکور تصریح کردند: موج دوم اصلاحات قانون اساسی درباره بندهای حساس و در رأس آن، ماده هفتم است که تصریح دارد: «الازهر هیئتِ اسلامی، علمی و مستقل است که منحصرا توسط خود این نهاد مدیریت می‌شود و مسئولیت دعوت به دین مبصر اسلام، گسترش علوم دینی و زبان عربی در مصر و جهان اسلام را برعهده دارد و شیخ الازهر مستقل و غیر قابل عزل است که به موجب قانون از میان اعضای هیئت کبار العلما (هیئت علمای دینی برجسته) انتخاب می‌شود». این ماده قانون اساسی دست‌و‌پای السیسی را برای اعمال قدرت کامل در امور دینی نظیر امور قضائی و قانون‌گذاری می‌بندد و مانع از دخالت او در الازهر و سیاست‌های آن می‌شود؛ چراکه اکنون تنها الازهر است که به‌طورکامل تحت نفوذ و سلطه السیسی درنیاامده و اعمال قدرت در این نهاد مستلزم ایجاد سازوکار قانون اساسی برای عزل شیخ الازهر است که به موجب قانون فعلی قابل عزل نیست.

در همین ارتباط، منابع مذکور اظهار کردند: پیشنهاد برای اصلاح ماده هفتم این است که اصل «الازهر مرجع اساسی برای امور دینی است» حذف شود و مراجع دیگر اساسی و غیراساسی در علوم دینی و امور اسلامی ایجاد شود یا اینکه این متن به حال خود رها شود و متنی دیگر به آن افزوده شود که تأکید کند دارالافتا وابسته به قوه مجریه است تا بین این نهاد و الازهر کاملا تفکیک ایجاد شود. براساس اطلاعات موجود، اصلاحات پیشنهادی قانون اساسی دربردارنده این بند خواهد بود که حق تعیین مقی کشور از آن رئیس‌جمهوری است و دیگر این منصب از سوی اعضای هیئت کبار العلما که ریاست آن با شیخ الازهر است، انتخاب نخواهد شد.

از دیگر ماده‌هایی که اصلاح خواهد شد، بندهای مربوط به حذف صدور قانون وضعیت اضطراری، آشتی ملی، پرداخت غرامت به قربانیان، تصویب هزینه دست‌کم ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی برای امور بهداشتی، آموزشی و پژوهشی، قانون احزاب و نهادهای مدنی و نیز حذف ماده‌ای است که تصریح دارد «اصلاح بندهای مربوط به انتخاب دوباره رئیس‌جمهوری یا مبنای آزادی و برابری جایز نیست.»

مصر در ۱۹ آوریل ۲۰۱۹ به مدت سه روز، همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی را برگزار کرد. طبق اصلاحیه ماده ۱۴۰ قانون اساسی، دوره ریاست‌جمهوری در مصر از چهار سال به شش سال افزایش یافت و یک نفر می‌تواند در دو دوره پشت سر هم این پست را در اختیار بگیرد. درحال‌حاضر محدودیتی برای تعداد دوره‌هایی که یک نفر پشت سر هم می‌تواند رئیس‌جمهوری مصر شود، وجود ندارد.

از سوی دیگر طبق یک بند اضافه‌شده به این بخش، دوره چهارساله فعلی ریاست‌جمهوری السیسی می‌تواند به شش سال افزایش یابد. او در سال ۲۰۱۸ در انتخابات پیروز شد و طبق این اصلاحیه می‌تواند تا سال ۲۰۲۴ رئیس‌جمهوری باقی بماند. همچنین او در سال ۲۰۲۴ این امکان را دارد که برای دوره سوم هم قدرت را در دست بگیرد. این اصلاحات ایجاد یک پارلمان دوم با نام شورای سناتورها را نیز ارائه کرد. این شورا، ۱۸۰ عضو دارد که دوسوم آنها از سوی مردم انتخاب می‌شوند و بقیه را رئیس‌جمهوری منصوب می‌کند. ماده ۲۰۰ قانون اساسی درباره نقش ارتش گسترش پیدا کرده و به ارتش وظیفه حفاظت از قانون اساسی و دموکراسی و ساختار اساسی کشور و ماهیت مدنی آن، دستاوردهای مردم و حقوق و آزادی‌های فردی تقویت شده است. طبق این اصلاحات، پست معاون رئیس‌جمهوری هم ایجاد شد و رئیس‌جمهوری می‌تواند یک یا دو نماینده را منصوب کند. همچنین این اجازه به رئیس‌جمهوری داده می‌شود که از میان نامزدهای ارشد معرفی‌شده از سوی دستگاه قضائی، قضات ارشد و دادستان عمومی را انتخاب کند.